

مقدمه.....	۱۰-۱۱
بزرگان شعر.....	۱۸-۲۲
شعر شاعران.....	۳۲-۳۸
ادبیات ارمنی.....	۲۷
ادبیات ایران.....	۲۹
ادبیات جهان.....	۲۵
موسیقی.....	۴۰
مصاحبه.....	۵۳-۵۹
تبلیغات.....	۵-۹
ترجمه استاد اجتماعی فرد.....	۵۲



*"don't be afraid to show yourself foolish,
we must have freedom of thinking."*

در جستجوی فهم کیهان

نویسنده:

بهرام مشحون، شانت باغرام

در جستجوی
فهم کیهان



بهرام مشحون
شانت باغرام

در جستجوی فهم کیهان سفری است برای کنجکاوی در باب ناشناخته‌های عالم، از انبساط کیهان گرفته تا سیاهچاله‌ها و ماده و انرژی تاریک و حیات فرازمینی. این سفر در بستر تاریخ علم و به‌خصوص تاریخ فیزیک از دوران باستان تا زمان معاصر رخ می‌دهد. در اثنای این سفر در فضا و زمان، به بررسی ساختار و تحول ستارگان و کهکشان‌ها می‌پردازیم. سپس با کاوش دربارهٔ مدل مهبانگ، تابش زمینهٔ کیهانی و ساختارهای بزرگ مقیاس به بررسی آغاز و ساختار و تاریخچهٔ کیهان می‌رسیم. در خلال سطرهای این کتاب بنیادهای فیزیک نیوتنی، الکترومغناطیس، مکانیک کوانتومی، نسبیت خاص و عام و کیهان‌شناسی بازگو می‌شود.

طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@Esher. Official



دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: دو هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزو مانیان
شماره: پنجاه و شش

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ
تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره جهت سفارش
با شماره تلفن های زیر تماس حاصل
فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی
فلزات گرانبها، ساخت و تعمیر انواع
ظروف و زیور آلات.

جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس
حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

آرمن نظریانس

فروشگاه شاپیک، عرضه کننده البسه
مردانه، انواع پیراهن و شلوارهای مردانه.

آدرس: پاسداران، هروی، خیابان

موسوی (گلستان ۵)، مرکز خرید

مایسا، طبقه ۱، رمپ ۳، پلاک R۵۸

و... عکاسی از محصولات، ساخت ویدیو

تبلیغاتی، ساخت و طراحی لوگو، تولید

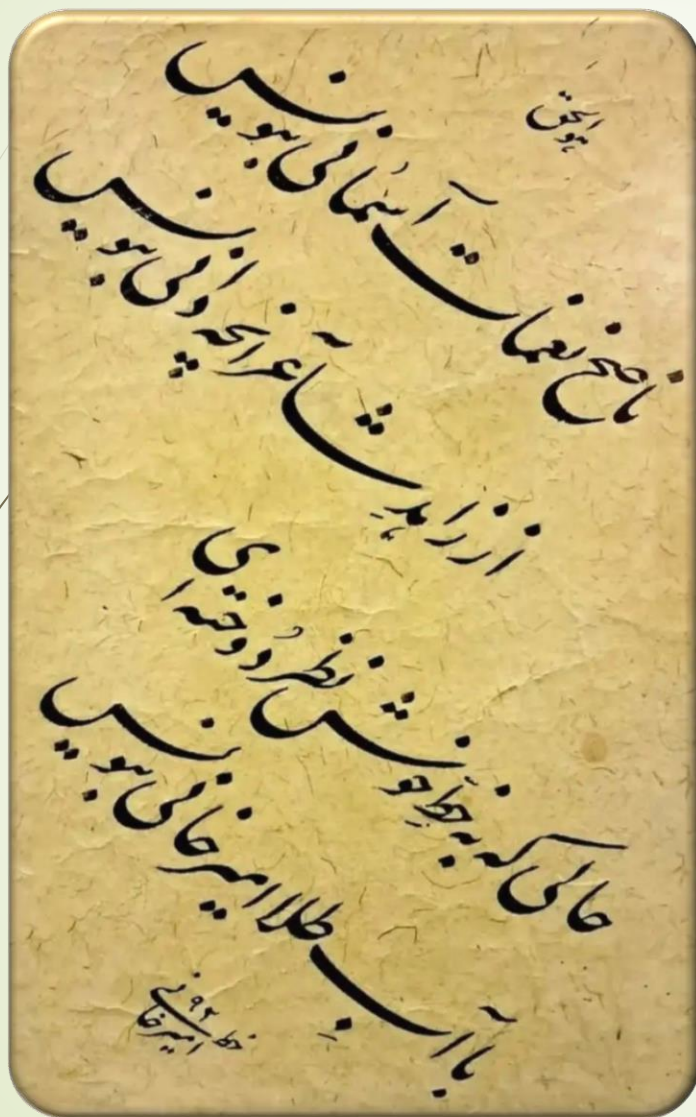
محتوای آموزشی

تلفن:

۲۶۷۵۸۰۱۷-۰۹۳۹۲۲۲۱۲۰۱

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

6





لگو سام

Հոկոսամ—ի
դասընթացներ

مسابه سریع ریاضی
(افزایش سرعت محاسبات تا ۳۰ پران)

ویژه سنین ۱۰ تا ۱۸ سال
10-18 տարեկան երեխաների համար

ترم ۶ ترم

ترم بندی:
ضرب مقدماتی
ضرب پیشرفته
تقسیم
توان، جذر، مثلثات
توان ۳، لگاریتم و تخمین
تکمیل ضرب و تقسیم

Մաթեմատիկայի հաշվարկները
ավելի հմուտ և արագ կատարելու
նպատակով

اهداف رشته:
ساده تر کردن محاسبات پیچیده ریاضی
افزایش دقت و تمرکز
کسب توانایی در ارائه ی راه حل جدید برای مسائل مختلف



لگو مس

ویژه سنین ۴ تا ۱۷ سال

4-12 տարեկան երեխաների համար

Basic: آموزش مقدماتی پررنگ و اعداد

محل ۱: جمع و تفریق با خرمبول

محل ۲: جمع و تفریق ذهنی

محل ۳: جمع و تفریق پیشرفته

محل ۴: آموزش ضرب

Հոկոմաս—ի
դասընթացներ



Մաթեմատիկայի հաշվարկները
ավելի հմուտ և արագ կատարելու
նպատակով

محل ۵: آموزش تقسیم

محل ۶: آموزش کسر



هدفا:

بهبود درک مفاهیم ریاضی
تفویت سرعت مهارت های محاسباتی
افزایش واکتس مفه



آنی

سیلور

برای سفارش با شماره تلفن زیر
تماس حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

[@ann.isilver](https://www.instagram.com/ann.isilver)

ویا به دایرکت پیام دهید



راه های ارتباطی با مجله ادبی_ آنی
برای ارسال آثار خود.

واتساپ و تلگرام ۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

دایرکت

[@aniarzoomanian](https://www.instagram.com/aniarzoomanian)

آنیتا آرزومانیان

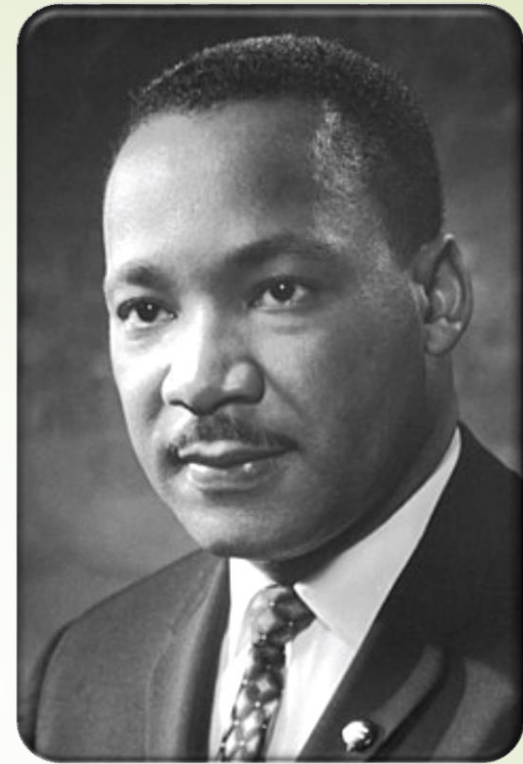
Follow

Follow



این روز به یادآوری و تجلیل از زندگی و دست‌آوردهای مارتین لوتر کینگ دارد و در تقویم ایالات متحد آمریکا یکی از روزهای تعطیل رسمی سال، یعنی روزی که همه ایالت‌های آمریکا آن را به رسمیت می‌شناسند، روز تولد مارتین لوتر کینگ است. در این روز مردم، مارتین لوتر کینگ و خدمت او را پاس می‌دارند و یادبود این کشیش سیاه پوست آمریکایی برنده جایزه صلح نوبل و رهبر جنبش حقوق مدنی آمریکا را با انجام مراسم و برنامه‌های گسترده برپا می‌کنند.

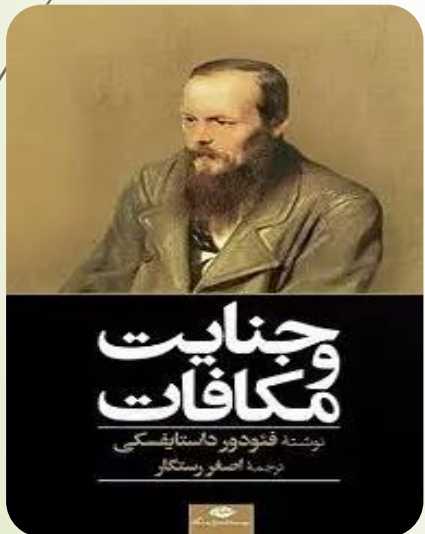
مارتین لوتر کمسالت آمیز حمایت از حقوق مدنی آمریکا است که فعالیت‌هایش به تغییر قوانین تبعیض آمیز نژادی در قوانین فدرال و قوانین ایالتی انجامید. مردم جهان او را به عنوان قهرمان مبارزه با تبعیض نژادی می‌شناسند. مبارزه‌ای که برای پایان دادن به جداسازی نژادی در وسایل نقلیه عمومی در مونتگمری آلاباما آغاز شد و با تلاش برای دست‌یابی به برابری نژادی در آمریکا ادامه یافت. ینگ رهبر پرنفوذ جنبش



روز مارتین لوتر کینگ (نام رسمی: زادروز مارتین لوتر کینگ جونیور) یکی از تعطیلات رسمی سراسری فدرال در ایالات متحده است که به مناسبت سالروز تولد مارتین لوتر کینگ جونیور در سومین دوشنبه ماه ژانویه هر سال در نظر گرفته شده که تقریباً مصادف است با پانزدهم ژانویه (برابر با بیست و پنجم دی ماه)، زادروز مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش مدنی سیاهان آمریکا.

انسان بی غیرت است!
به همه چیز عادت میکند!

"جنایات و مکافات، داستایوفسکی"



بسیاری از مدارس آمریکا این روز را صرف آموختن زندگی و آرا و فعالیت‌های مارتین لوتر کینگ به دانش آموزان، از دوره ابتدایی تا دبیرستان می‌کنند و در سال‌های اخیر با قرار دادن پسوند «خدمت» به عنوان این روز، نهاد قانون‌گذاری آمریکا، آمریکایی‌ها را تشویق می‌کند که در این روز بخشی از وقت خود را به صورت داوطلبانه در اختیار گروه‌های فعال مدنی قرار دهند.



ظالمان
آزادی را
رایگان
نمی
دهند،
مظلومان
باید آن را
بطلبند
مارتین لوتر کینگ

Հայաստանում ջազ սկսել են կատարել 1920-ական թվականներից: 1930-ական թվականներին հայտնվեցին համույթներ, որոնք նվագում էին հիմնականում ջազ երաժշտություն, որոնցից ամենահայնտի խումբը համարվում էր Ցոլակ Վարդազարյանի նվագախումբը, որը համերգային ելույթներ էր ունենում «Մոսկվա» կինոթատրոնում: Պաշտոնապես առաջին ջազային կոլեկտիվը հանդիսանում է 1938 թ. կազմավորված Հայաստանի պետական ջազային նվագախումբը՝ կոմպոզիտոր և թավջութակահար Արտեմի Այվազյանի գլխավորությամբ, իսկ դիրիժորն էր Ցոլակ Վարդազարյանը:

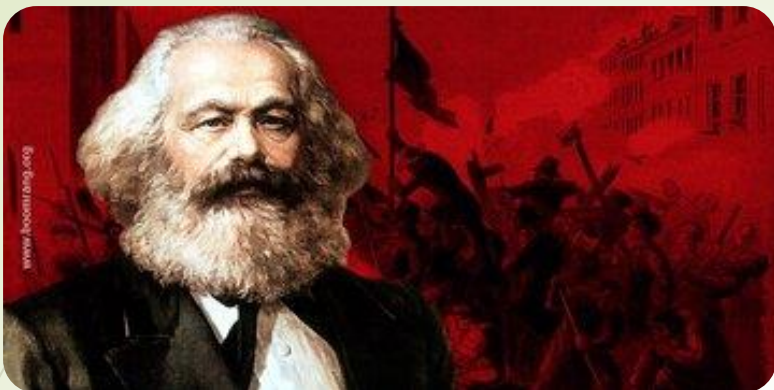


یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از
مجموعه «ماندگاران خاطره های من» (بخش دوازدهم)
تهیه و تدوین : ایساک یونانسیان

آینده چیزی نیست
جز بازتاب انتخاب
های ما.



سود می جستم و سوار بر توسن خیال در گذشته ها می تازیدم تا هم به سرانجام تکلیفم را با رمان سه جلدی ام، در گذرگاه رنج، یکسره کنم و هم به بهانه پر کردن چاله چوله های اندوخته های ذهنی یک بار دیگر مروری داشته باشم بر کتاب هایی که سال ها و حتی دهه ها پیش با چشم بلعیده ام و به حافظه سپرده ام. همین شد که برخی کتاب های فارسی و ارمنی را، در زمینه های گوناگون تاریخی و فرهنگی و ادبی، به دیگر باره تورق کردم و برخی چهره ها، که بیشتر شان اینک روی در نقاب خاک کشیده اند، در محیله من دوباره جان گرفتند و خاطره هایی که در گذشته های دور و نزدیک با آنها داشته ام فکر را به خود مشغول کردند. تاریخ جامع ادیان، اثر جان بی. ناس را، که کتابی فراوان سودمند در عرصه پژوهش تاریخ ادیان است، با ترجمه علی اصغر حکمت مرور می کردم که حدود پنج دهه به گذشته برگشتم و در هیئت یک بچه کارگر در پانسیون متروپل کردمحلّه غازیان بندرانزلی در آستانه بهار و نوروز، که هم بارانی بود و هم دمسرد، چمدان علی اصغر حکمت را از راننده سواری، که تازه رسیده بود، گرفتم و با نک و نال به اتاق شماره ۲ در قسمت اتاق های لوکس دارای حمام بردم.



گروه اندیشه: مارکس در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه ای دارد. و البته نه فقط جامعه ایرانی بلکه جامعه جهانی. اما آثار او در ایران زمانی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. تاریخ معاصر ایرانزمین بدون خوانشی درستی از مارکس، قادر است تحولاتش را توضیح بدهد. حامد زارع در یادداشتش در فصلنامه سیاست نامه شماره ۱۶، به معرفی مارکس در ایران و کوشش ایرانیان برای معرفی او می پردازد. این یادداشت در زیر از نظر تان می گذرد:

مارکس ایرانی حامد زارع

چه متفکرانی که تلاش کردند از مارکس، نظام تولید علم مارکسیستی مستخرج کنند و چه عمل‌گرایانی که کوشیدند از مارکس، ایدئولوژی مارکسیسم بیرون بیاورند، هر دو گرفتار فریبی بودند که یکی از نتایج آن، غفلت از آثار مارکس به عنوان نویسندۀ ای حرفه‌ای بود. اینچنین بود که مارکس روزنامه‌نگار، مارکس جامعه‌شناس و مارکسی که می‌نوشت تبدیل به مارکس خطابه‌گو، مارکس سیاست‌مدار و مارکسی که فرمان می‌داد شد. مارکسی که بود برای فهم سیر تحولات دنیای جدید مفید فایده بود و مارکسی که ساخته شد تنها برای مبارزه سیاسی کاربرد داشت.

اگر تعریف و توصیف ریمون آرون از کارل مارکس را بپذیریم که او نخستین جامعه شناس سرمایه داری بود، نمی توانیم از گستره علاقه هایی که ذیل توجه به مارکس می تواند در جهان سوم به وجود آید بگذریم. اگر چه پس از جنگ جهانی دوم، لنینیسم و استالینیسم به مثابه یک روح سرگردان، سرزمین های خاور دور و نزدیک را درمی نوردید، اما نمی توان کتمان کرد که کار مارکس به مثابه پیام آور بزرگ زوال سرمایه داری، در کانون هر بحث سیاسی و اقتصادی دهه های سرنوشت سازی از قرن بیستم قرار داشته است. در مورد ایران می توان از تاثیر فوق العاده مخرب مارکسیسم در گفتمان سازی تجدد ستیزانه برای متفکران قوم و روشنفکران شهر از ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۰ سخن به میان آورد.

اگر در چهاردهه پیش گفته توجه سیاسی به مارکسیسم تاریخی رواج یافته بود، در چهار دهه اخیر توجه معرفتی به مارکسیسم به مثابه یک علم رواج یافته و کتاب های مهم مارکس و همچنین رساله های زیادی درباره او به فارسی برگردانده شده است. در این نهضت ترجمه نقش افرادی مثل باقر پرهام، حسن مرتضوی و در وهله بعد کاظم فیروزمند و اکبر معصوم بیگی را باید مورد تاکید و تمجید قرار داد. در این یادداشت به بررسی آثاری از کارل مارکس می پردازیم که به فارسی ترجمه شده است. ناگفته پیداست که مارکس بیش از چهل سال در کار خواندن و نوشتن بود و آثار زیادی از خود بر جای گذاشت. برخی از این آثار در زمان حیات و برخی دیگر سال ها پس از مرگ او منتشر شدند.

شاید امروز قضاوت ریمون آرون را با خیالی آسوده تر می توانیم بپذیریم که فارغ از همه نقدهایی که به کارل مارکس داریم، تدقیق در امور معطوف به علم الاجتماع و تثبیت عینیت اجتماعی زیر سایه نوری امکان پذیر شد که آثار او فراهم آورد.

برای شناختن اشخاص لازم است
 آن‌ها را مدت‌ها تحت مطالعه
 قرار داد؛ در غیر این صورت
 ممکن است انسان مرتکب
 اشتباهی شود که جبران آن
 مشکل باشد.



هر چند پیش از مارکس، این‌الکسی دوتوکویل بود که با سفر به ایالات متحده و پژوهش در باب دموکراسی در آمریکا، توانست مسیر افتتاح شده توسط مونتسکیو را به نحوی بسط دهد که صد سال پس از مرگش، توسط آرون به عنوان موسس جامعه‌شناسی معرفی شود، اما امروزه به سبب انبوه نوشته‌های کارل مارکس است که جهان جدید می‌تواند با دیدگاهی انتقادی به روندهای مستقر در سرمایه‌محوری و رویکردهای فردیت‌محور بیندیشد.

«کارل مارکس در مقام منتقد نظام اجتماعی مدرن، پاشنه آشیل اقتصاد سیاسی کلاسیک، یعنی نظریه ارزش کار را هدف قرار داد. مارکس با هوشیاری تمام دریافت که علم اقتصاد، علم جامعه بورژوایی، یعنی جامعه مبتنی بر ارزش‌های فردگرایانه است.» استعداد خیره‌کننده مارکس در توصیف و تبیین جامعه جدید باعث شد تا در قرن بیستم نام او بیش از نام هر نظریه‌پرداز دیگری بر سر زبان‌ها برود و نظریه اجتماعی و انتقادی او محل اساسی‌ترین بحث‌ها قرار گیرد. تحلیل او سرمایه‌داری و منطق تحول آن و همچنین شکافتن ماهرانه شکاف، تضاد و مبارزه طبقاتی از او چهره‌ای بی‌بدیل و بی‌نظیر در سده بیستم ساخت.

چهره‌ای که سخنان تازه‌ای درباره اقتصاد و اجتماع به میان می‌آورد و سخنانش مورد شوق و اقبال افراد زیادی قرار می‌گرفت. اما این خیل مشتاق چند دهه پس از مرگ مارکس، هر یک به کیفیتی از او عبور کردند و جنبه‌های تاسیسی نظام فکری او در توجه نشان دادن به ساختار زندگی اجتماعی را وانهاد و به جنبه‌های معطوف به امکان ایجاد تاسیسات سیاسی از نظریه مارکس چشم دوخته و دخیل بستند. چه متفکرانی که تلاش کردند از مارکس، نظام تولید علم مارکسیستی مستخرج کنند و چه عمل‌گرایانی که کوشیدند از مارکس، ایدئولوژی مارکسیسم بیرون بیاورند، هر دو گرفتار فریبی بودند که یکی از نتایج آن، غفلت از آثار مارکس به عنوان نویسنده‌ای حرفه‌ای بود. اینچنین بود که مارکس روزنامه‌نگار، مارکس جامعه‌شناس و مارکسی که می‌نوشت تبدیل به مارکس خطابه‌گو، مارکس سیاست‌مدار و مارکسی که فرمان می‌داد شد. مارکسی که بود برای فهم سیر تحولات دنیای جدید مفید فایده بود و مارکسی که ساخته شد تنها برای مبارزه سیاسی کاربرد داشت.

متن کامل این مقاله را می‌توانید در شماره شانزدهم سیاست‌نامه مطالعه کنید.

۲۱۶۲۱۶

کد خبر ۲۰۰۷۶۷۸

فلاسفه معتقدند که انسان‌ها با ۴ بال زندگی میکنند:

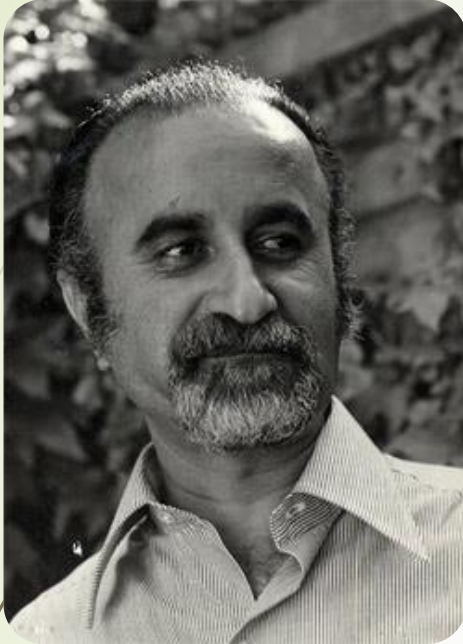


فلسفه

دین

علم

هنر



شعر زهری، عاشقانه، اندوهگین
غربت و تنهایی و نومیدی، و
گاه، رنگ گرفته از دردها و
دشواری های اجتماعی است.

محمدی زهری در مرداد سال ۱۳۰۵ در روستایی پیرامون شهبوار چشم به جهان گشود. سالهایی از عمر خود را در شهرهای ملایر و شیراز گذراند و سرانجام از سال ۱۳۲۱ در تهران سکونت گزید.

به سال ۱۳۳۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران لیسانسه شد و بعد ها دوره دکاری همین رشته را به پایان رساند.

از سال ۱۳۳۴ تا کنون در کارهای دولتی مشاغلی چون دبیری ادبیات فارسی، کارمندی سازمان برنامه و بودجه، مشاورات مطبوعاتی وزارت فرهنگ، کتابداری و معاونت کتابخانه ملی به عهده داشته است.

کار نوشتن را از فکاهی نویسی در روزنامه توفیق (۱۳۲۴) آغاز کرد و سپس به نوشتن داستان و مقاله برای روزنامه ها و مجلات پرداخت.

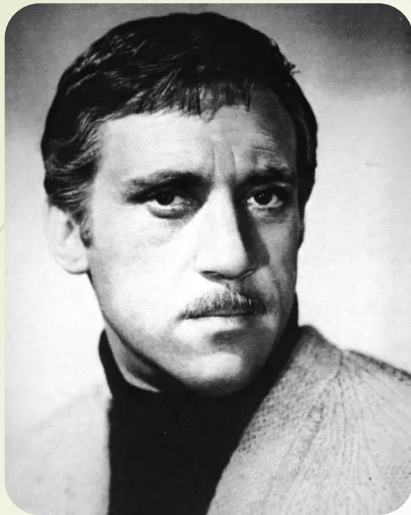
زهری از سال ۱۳۳۰ به شعر پرداخت. نخستین دفتر شعرش در سال ۱۳۳۴ منتشر شد. تا کنون شش دفتر شعر انتشار داده و در زمینه کتاب شناسی سیزده جلد کتاب به چاپ رسانده است.



Գևորգ Գրիգ (*Գևորգ Անանի Գրիգորյան*, սեպտեմբերի 11, 1893, Վաղարշապատ, Երևանի նահանգ, Ռուսական կայսրություն - հունիսի 6, 1987, Երևան, Հայկական ԽՍՀ, ԽՍՀՄ), հայ քանաստեղծ, արձակագիր, տնտեսական գիտությունների թեկնածու, ԽՍՀՄ գրողների միության անդամ 1934 թվականից, ԽՄԿԿ անդամ 1946 թվականից:



Через 20 лет вы будете больше разочарованы теми вещами, которые вы не делали, чем теми, которые вы сделали. Так отчаляйте от тихой пристани. Почувствуйте попутный ветер в вашем парусе. Двигайтесь вперед, действуйте, открывайте!



Легенда авторской музыки, актер театра и кино, Владимир Высоцкий был кумиром миллионов. Песни в его исполнении звучат в десятке фильмов — «Короткие встречи», «Вертикаль», «Я родом из детства». После смерти артиста возле Театра на Таганке несколько дней стояли люди: с Высоцким пришла проститься вся Москва.



موسیقی بی تردید
عملکرد اجتماعی است.

Mario Bellizzi

Mario Bellizzi (born 1957), a poet of the Arbëresh minority of southern Italy, was born in San Basile in the province of Cosenza. His verse has appeared in various Arbëresh periodicals in southern Italy, as well as in Kosovo and Albania. Bellizzi currently lives in Trebisacce on the Gulf of Taranto. Among his verse collections are: *Who are We Now?*, Peć 1997; and *Last Exit to Bukura Morea*, Castrovillari 2003.



علی اکبر دهخدا

علی اکبر دهخدا به جا
یه عبارتی گفته بود که
دلم نیومد با شما دوستان
به اشتراک ندارم:

"هیچ وقت درخت
پرثمر استقلال و آزادی
بی اشامیدن خون، بارور
و برومند نشده است و
من هزاربار بیشتر ترجیح
می دهم که در راه
استقلال و آزادی و
آسایش مردم گشته شوم
تا مانند عجزه درخت
خواب بیماری جان
بسپارم!"

Filippo Amantea Mannelli (Grimaldi, 3 gennaio 1878 – Cosenza, 29 ottobre 1964) è stato un poeta, giurista e filosofo italiano.

شوپنهاور، نیچه، گوته، هگل و
 نیز باخ و بتهوون و صدها
 فیلسوف و ادیب و هنرمند بی
 نظیر بودند، تحلیل روانشناختی
 و فلسفی آنچه توسط آنان
 اتفاق افتاده به فهم شکل گیری
 استبداد، فاشیسم، توتالیتاریسم و
 جنایات سازمان یافته در جامعه
 امروزی بیشتر کمک می کند.





برگی از تاریخ

بی‌رحم‌ترین سردار آنان (بیلاخوخان) نام داشت!
وی مخالفان خود را بعد از دستگیری به سادگی نمی‌کشت
و یکی یکی انگشت‌های آنان را قطع می‌کرد..

در این بین یکی از سرداران دلیر ایرانی به نام "بامشاد" که از نوادگان
سردار بزرگ ایرانی آریوبرزن بود بر ضد او قیام کرد و طی نبردهای
بسیار بالاخره دستگیر و اسیر "بیلاخو" شد!!

چهار روز از دست‌گیری او می‌گذشت ...

در حالی که چهار انگشت او از دست راستش قطع شده و تنها انگشت شصتش باقی مانده بود ...

در یک شب وی با کمک یارانش از زندان "بیلاخو" فرار کرد و بعد از تجهیز قوا دوباره به نبرد وی شتافت ...
اینبار شجاعانه او را از پا درآورد و جهت نشان‌دادن شکست وی، جسدش را به اسبش بسته و در شهر در انظار عموم
شهروندان گردانید ...

مردم خوشحال از شجاعت "بامشاد" جهت پایکوبی و برگزاری یک جشن
بزرگ به مرکز شهر آمده و تا پایان آنروز به احترام "بامشاد" که چهار انگشت خود را در نبرد با بیلاخو از دست
داده بود، انگشت شصت خود را بهم اشاره میکردند و نشان می‌دادند ...

از آن پس این رسم (بی‌لاخ) نام گرفت ...

و اگر کسی از کار کسی دیگر خوشش می‌آمد به او بی‌لاخ میداد ...

اروپاییانی که در آن زمان به ایران سفر کرده بودند کم کم این رسم را به کشور خود منتقل کردند در تغییرات تلفظی به دلیل نبودن حرف "خ" در زبان انگلیسی، بیلاخ به "بی لایک" و سپس لایک (like) تبدیل گردید ... جالب است که بدانیم امروزه این حرکت در تمام کشورهای جهان به وفور در زندگی روزمره مردم با معنی واحد (آفرین) - (اوکی) مورد استفاده قرار میگیرد ...

حال این سوال پیش می آید چرا این حرکت در نزد ایرانیان به معنای بدی جا افتاده است؟! ...!

اما در اروپا و سایر نقاط جهان به معنای "آفرین بر تو" معنی میدهد؟

پاسخ اینجاست که:

مغولان تا سالها بعد از زمان "بیلاخو خان" و "بامشاد" بر قسمتهایی از ایران حکومت کردند و آنها که تاب تحمل این حرکت را در ایرانیان نداشتند هر کسی را که بی لایک می داد می گرفتند به زندان می انداختند ... ازین رو ایرانیان در کوچه و بازار به سربازان مغول بی لایک می دادند و فرار میکردند ... این چنین شد که این رسم آرام آرام شکل بدی به خود گرفت

منبع :

و ترجمه: تیمور رضایی قیری

کتاب : (Persian Historic)



مورگان فریمن

تنها برای اینکه من با تو
هم‌باور نیستم، به معنی
بیزاری من از تو نیست. ما
نیاز داریم که این را در
جامعه دوباره بیاموزیم



طرح نمایشنامه هایش نسبت به پیشینیان پیچیده تر است، منتهای مراتب، طرح نمایشنامه های اورپیدس با بهترین طرح های سوفکلس برابری میکند، هر چند، گاهی فاقد انگیزش و تداوم است. او بندرت سرنوشت را اساس طرح نمایش قرار می دهد. اورپیدس از اهمیت گروه همسرایان می‌کاهد و عملاً ارتباط اساسی آنها را از رویدادهای نمایش جدا می‌سازد. او صحنه آرای، لباس و تجهیزات صحنه را استادانه تدارک می‌بیند. از شوخی و لطیفه زیاد استفاده میکند و زبان او ساده، واقع‌گرایانه و گاه از نظر موازین بلاغی و شیواست.

مختصری از نقدها. اورپیدس نمایش نامه نویسی است که بسی بیش از آیسخولوس و سوفوکلس واجد خصوصیات متضاد است. منتقدان در تراژدی های او هم مایه ستایش و هم نکوهش بسیار می یابند. مضامین نمایشگاهایش گاه مبتذل و گاه در ارتباط با مکان و زمان خاص است؛ اما معلولاً زمینه نمایشنامه ها با مسائل روزمره سروکار پیدا میکند و گلیت جهانی هم دارند. با این که بعضی از بازیگران اول در آثارش فاقد ابعاد قهرمانی هستند، اما تقریباً همه آنها انسانند. حالت احساساتی، پر سوز و گداز و ملودرامی آثار اورپیدس مورد ایراد شماری از منتقدان است، اما بسیاری هم به دفاع از آنها به عنوان شیوه های ایجاد انگیزش در نمایش پرداخته اند.

جنبش حقوق زنان (دبلیوآرام) خواهان برابری زنان با مردان در همهٔ وجوه جامعه و دسترسی کامل زنان به همان حقوق و فرصتهایی است که مردان از آنها برخوردارند. مری ولستون کرافت در سال ۱۷۹۲ در کتاب احقاق حقوق زنان نخستین بار مفهوم حقوق زنان را مطرح کرد. زنان که تا پیش از آن بر ایده‌های انتزاعی در باب برابری زنان تمرکز داشتند، به آرامی نبرد برای حقوق قانونی خود مانند حق مالکیت و حق رأی را آغاز کردند. رهبران فکری جنبش حقوق زنان در امریکای اوایل سدهٔ نوزدهم عبارت بودند از: لیدیا ماریا چایلد (۱۸۰۲-۱۸۸۰) که از سال ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۵ کتاب کتابخانهٔ خانوادگی زنان را که تاریخی دربارهٔ زنان بود به رشتهٔ تحریر درآورد؛ مارگارت فولر با کتاب دوران‌سازش، زنان در سدهٔ نوزدهم که به سال ۱۸۴۵ منتشر شد؛ و الیزابت الت که کتاب زنان در انقلاب امریکا را در سال ۱۸۴۸ نوشت.

منزلت زنان در امریکای دورهٔ استعمار

در سال ۱۶۱۹ نود زن به مستعمرهٔ ویرجینیا آمدند و پس از آنان، ۱۸ زن و ۱۱ دختر، به سال ۱۶۲۰ قدم به خاک پلیموث ماساچوست گذاشتند. نخستین زنان مستعمره‌نشین، غالباً خدمتکارانی زرخرید بودند که یا از شهرهای اروپا ربوده شده یا از زندان‌های اروپا خریداری شده بودند. مدتی بعد، زنان آفریقایی، که مجبور به تن دادن به «گذر میانی» شدند، به‌عنوان برده به امریکا آمدند. در مقابل، کوئیکرها، که اصل برابری زنان را در امریکا مطرح کردند، در حمایت از حقوق زنان بی‌همتا بودند و به زنان اجازهٔ موعظه و ورود به جرگهٔ رهبران کلیسا را می‌دادند. زنان کوئیکر پیوسته مورد اذیت و آزار مذهبی قرار می‌گرفتند؛ مری دایراز اظهار پشیمانی از مذهب خود در برابر مقامات ماساچوست سر باز زد و در سال ۱۶۶۰ در بوستون به دار آویخته شد. بی‌گمان زنان در عصر استعمار، تکالیف بسیار و حقوق اندکی داشتند.





لیکن در اینجا هم ناخارارهای ارمنی از حقوق فئودالی خود برخوردار بودند و این بخش کشور به نوعی مرزبان نشین شبیه بود و والی آن که کومس (کنت) نامیده میشد از سوی قیصر تعیین می گردید. به هنگام جنگ ها، نیروی انتظامی ناخارارها نیز به سپاه قیصر ملحق می شدند.

در این میان ناخارارهای ارمنستان ساتراپی یا ارمنستان ناخاراری که همانا شامل بخش جنوب غربی هایک بزرگ یا ارمنستان تاریخی می شد و وسعت آن از کرانه های فرازین رود دجله تا فرودست های رود فرات شرقی بود، حقوق و امتیازهای خیلی بیش تر و بزرگتری داشتند. این بخش از ارمنستان در سال خای ۳۶۳-۳۶۸ م از سوی امپراتوری روم اشغال شده بود. در اینجا شش ناخارار ارمنی وجود داشتند که دارای استقلال داخلی بودند و تنها وظیفه و تعهد آنها در قبال حکومت قیصر این بود که هر ناخارار در قلمرو خود مرزهای امپراتوری را در مقابل تهاجم پارسیان حراست کند.

نظام داخلی ارمنستان غربی به هنگام حکمرانی قیصر ژوستینیانوس (۵۶۵-۵۲۷) م دچار تغییرات جدی شد. ژوستینیانوس به منظور حراست از مرزهای شرقی امپراتوری در قبال حملات ساسانیان، از میان بردن استقلال داخلی ناخارارهای ارمنی و ادغام منطقه در میان قلمرو امپراتوری، دست به ایجاد یک سری تحولات زد و در سال ۵۲۹ م کلیه ی سرزمین های ارمنستان را که تحت تسلط امپراتوری بود به یک منطقه استراتژیک جنگی تبدیل کرد...

فقر، همه جا سر میکشد...

فقر، گرسنگی نیست، عریانی هم نیست

فقر، چیزی را " نداشتن " است ولی آن چیز پول نیست. طلا و غذا نیست....

فقر، همان گرد و خاکی است که بر کتاب های فروش نرفته ی یک کتاب فروشی مینشیند...

فقر، تیغه های برنده ماشین بازیافت است که روزنامه های برگشتی را خرد میکند...

فقر، کتیبه ُ سه هزار ساله ای است که روی آن یادگاری نوشته اند...

فقر، پوست موزی است که از پنجره ی یک اتومبیل به خیابان انداخته میشود...

فقر، همه جا سر میکشد...

فقر، شب را بی غذا سر کردن نیست فقر، روز را بی اندیشه سر کردن است



-تغییر اجتماعی اجتناب ناپذیر است، جامعه پیوسته در معرض تغییر اجتماعی قرار دارد.

-تضاد اجتماعی اجتناب ناپذیر است، جامعه فاقد تضاد وجود ندارد.

-هر بخشی از جامعه در تغییر خودش دخالت دارد.

-در هر جمعه، تکیه برخی از اعضا بر اعضای دیگر مبتنی بر ساز و کار فشار است.

درخت قدیمی تبدیل به کتابخانه شد!

یک سازمان غیرانتفاعی در آمریکا، برای تشویق عشق به کتاب خواندن، انجمن کتابخانه‌ی کوچک رایگان را ایجاد کرده است. اولین کتابخانه‌ی کوچک رایگان توسط «تاد بل» در سال ۲۰۰۹ ساخته شد. این کتابخانه‌ها در فضای بیرونی خانه‌ها نصب می‌شوند و مانند دیگر کتابخانه‌های عمومی، هر شخصی می‌تواند کتاب را برداشته، مطالعه کرده و به کتابخانه بازگرداند



درباره‌های متعدد کوچک و بزرگ که محل اجتماع شاعران و دبیران بودند یکی پس از دیگری از بین رفتند. هولاکو، المتعصم بالله آخرین خلیفه عباسی را کشت و دستگاه خلافت را در هم نوشت و دیگر احتیاجی به دبیران عربی دان نبود. باب تحقیق و تتبع مخصوصا به علت عدم دسترسی به کتب قدیم صدمه ساسی دید به طوری که به بسیاری از کتب مولف در دوران بعد از مغول از قبیل تذکره الشعرا نمی‌توان اعتماد کرد (در برخی از کتب ششم از قبیل چهار مقاله و سیاست نامه هم مسامحاتی در امور تاریخی دیده میشود). دواوین بسیاری از شعرا از جمله رودکی از بین رفت. امروزه از قبل از دوره مغول فی‌المثل در فرهنگ نویسی جز لغت فرس اسدی و در تذکره نویسی جز لباب‌الاباب و در بلاغت جز یکی دو کتاب از قبیل ترجمان‌البلاغه و حدائق‌السحر باقی‌نمانده است. دستنویس بسیاری از متون و دواوین مربوط به دوره بعد از مغول است.

✚ آیا لیبرالیسم و آزادی های اقتصادی باعث بالا رفتن استاندارد های زندگی میشود؟

زندگی انسان در این سیاره تا اواسط سده هجدهم میلادی تغییر چندانی نکرده بود و تقریباً همه مردم روی زمین های زراعی کار میکردند و برای تولید غذا از راه کشت و کار به فعالیت طاقت فرسایی مشغول بودند که نتیجه ای نامعلوم داشت چرا که برداشت محصول یکسره به باد و باران و تغییرات جوی وابسته بود.

✚ روش های این نوع کشاورزی تا دویست و پنجاه سال پیش کمابیش شبیه روش های کشاورزی در دوران هخامنشیان بود.

اکثریت مردم پولی در بساط نداشتند که بخواهند خرج تجملاتی نظیر خرید یک دست لباس اضافه کنند و فقط عده بسیار کمی توانایی خرید گوشت و یا خوراکی های گران قیمت را داشتند، کسانی که علناً از سر و وضعشان تشخیص داده میشد که ثروتمند هستند که اینان افرادی بودند که در خانواده ای ثروتمند به دنیا آمده بودند و ثروت آن خانواده نیز اغلب از قدرت در گرفتن مالیات از کشاورزان فقیر برای نفع شخصی بود یا ناشی از دوستی با صاحبان قدرت.

✚ در این وضعیت زندگی برای اکثر جمعیت دنیا، بقا یا زیستی رقت انگیز بود. طبق محاسبات یکی از اقتصاددانان آمریکایی با نام "دی.یر.درامکلاسکی" درآمد متوسط شهروندان جهان در سال ۱۸۰۰ میلادی چیزی بین ۱ تا ۵ دلار بود، اما اکنون متوسط درآمد شهروندان دنیا به طور میانگین به ۵۰ دلار در روز رسیده است که این یک صعود عظیم در بهره‌وری اقتصادی محسوب میشود. این نکته را نیز در اینجا ذکر کنم که درآمد ۵۰ دلار در روز تنها یک میانگین از متوسط درآمد است، برای مثال در کشوری همانند تاجیکستان که در ردیف ناآزاد ترین کشورهای دنیا قرار دارد، متوسط درآمد حدود ۷ دلار در روز است!

✚ ولیکن درآمد متوسط در ایالات متحده که یکی از آزادترین کشورهای جهان محسوب میشود، متوسط درآمد بالغ بر ۱۰۰ دلار در روز است که به لطف آزادی های اقتصادی مردم ایالات متحده، بیش از چهارده برابر ثروتمندتر از مردم تاجیکستان هستند.

✚ در کشورهای دیگری همانند سوئیس، کانادا، استرالیا و انگلستان که طبق شاخص گزارش آزادی اقتصادی جهان، در زمره آزادترین کشورهای جهان قرار دارند؛ متوسط درآمدها بیش از ۹۰ دلار در روز است. در نتیجه آزادی و بهره‌وری اقتصادی با هم پیوند دارند و همراه با هم پیش میروند و یکی بدون دیگری وجود نخواهد داشت. بنابراین تعجبی ندارد که مردم کشورهای فقیر و ناآزاد مجبور میشوند کشورشان را ترک کنند و به کشورهای ثروتمند و آزاد مهاجرت کنند. به عبارت دیگر مردم خودشان با قصد و نیت خود و با پای خود؛ و با تصمیم گرفتن درباره حرکت به طرف کشورهای آزاد، به آزادی رای میدهند. همچنین این مردم در شرایطی تصمیم به مهاجرت میگیرند که دولت های خودشان به شدت تلاش میکنند که مانع از مهاجرت مردم به خارج شوند و کشورهای آزاد هم هر چه در توان دارند انجام میدهند تا شرایط ورود مهاجرین را سخت تر کنند!

✚ بله، این یکی از دستاوردهای نظام لیبرال است که با دخالت نکردن در اقتصاد باعث رشد اقتصادی و در نتیجه ثروتمند شدن مردم میشود.

چه فرقی می کند دیروز با امروز یا فردا
تو وقتی نیستی نزد کدامین دوست بنشینم

بین این روزها حال و هوایم سخت دلگیر است
و دلتنگی تبانی کرده با افکار بدبینم

خوشا بر من که مجنونم ، خوشا لیلای عاشق کش!
خوشا بر من ، که بی تو ساکن دارالمجانینم !

#محمد_جوکار
#مژگان_تولایی


<https://telegram.me/yasekhial1>

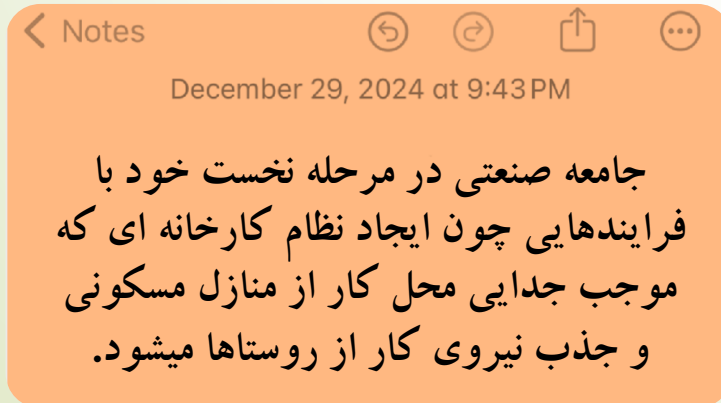

کمی آنسوی تر از قصه های دوست دارم
من از تاک لب تو خوشه خوشه بوسه می چینم

تمام زندگی را در حراج عشق می بازم
تو را وقتی درون باده ی لاجرعه می بینم

و از هر عابر کوچه نشانت را که می پرسم
و یا از کافه ی آغاز دیدار نخستینم ،

کفاف بودنت را اشک های من نخواهد داد
بجرم درد فوق العاده ام همواره غمگینم

دلم می خواهد از این قصه بافی دست بردارم
نمیدانم چرا در جستجوی مرغ آمینم



(قدر آدم های زندگیمان را بدانیم)

از پنجره‌ی اتاقم به بیرون نگاه کردم برف ها زیادترو زیادترو می‌شدند انگار برف ها، من را صدا می‌زدند به حیاط خانه رفتم من یک گوله برف برداشتم آن را به روی برف ها چسباندم باز یک گوله ی دیگر و باز یک گوله ی دیگر !

آدم برفی به من سلام کرد سرم را ، بالا آوردم یک آدم برفی بود به من لبخند می زد و با چشمانش به من می گفت : قدر من را بدان من هم مثل آدم های دوروبرت خیلی زود آب می شوم و دیگر هیچ اثری از من نمی ماند ،

از این حرف او، غم دلم را گرفت شالم را از گردنم بیرون آوردم و به دور گردن آدم برفی انداختم با خودم گفتم کاشکی زودتر من یک آدم برفی درست کرده بودم.

طاهره ترسلی
#یادداشت_شبانہ

@taherehtarassoli

داده به نابلد باد
سر زلفش را
نامسلمان از پریشانی من
باکش نیست

محمد فلاحی نسب.

< Notes

December 29, 2024 at 9:43 PM

در میان همه آرمان های سیاسی، آن که ادعای خوشبخت کردن جامعه بشری را دارد، از همه خطرناک تر است.

درخت جوانی

سال هاست درخت جوانی ام برگ ریزان شده
چشمه ی محبت فرزندانم خشک
قلبم تسلیم طوفان تنهایی
آسمان دلخوشی هایم بی ستاره
کاش هر چه سریع تر
جاده ی نفس هایم به خط پایان برسد. جواد گزنلو

34

ای رنگ به رنگ دلت
ای درهم تنیده دلم
ای زخمه ناجور زمانه
ای شکسته سبو، دلم
ای کوچه های بی انتها
و ای پاییز منتهی به سرما
گرمای وجودم فسرد در پندار
پندارم فسرد در ادبار

ایمان قنبریور از مجموعه اشعار
کافه های این شهر شلوغ

بی تردید وقتی از ساختار سیاسی بحث به میان می
آید اولین نهاد و نظامی که در ذهن محققین علوم
اجتماعی متبادر میشود دولت است.



Tanto gentile e tanto onesta pare, di Dante Alighieri

*Tanto gentile e tanto onesta pare
la donna mia quand'ella altrui saluta,
ch'ogne lingua deven tremando muta,
e li occhi no l'ardiscon di guardare.*

*Ella si va, sentendosi laudare,
benignamente d'umiltà vestuta;
e par che sia una cosa venuta
da cielo in terra a miracol mostrare.*

*Mostrasi sì piacente a chi la mira,
che dà per li occhi una dolcezza al
core,*

*che 'ntender no la può chi no la prova:
e par che de la sua labbia si mova
un spirito soave pien d'amore,
che va dicendo a l'anima: sospira*

**“Only he is an
emancipated
thinker who is not
afraid to write
foolish things.”**



O Captain! My Captain! by Walt Whitman

But O heart! heart! heart!
 O the bleeding drops of red,
 Where on the deck my Captain lies,
 Fallen cold and dead.
 O Captain! my Captain! rise up and hear the bells;
 Rise up—for you the flag is flung—for you the bugle trills;
 For you bouquets and ribbon'd wreaths—for you the shores a-
 crowding;
 For you they call, the swaying mass, their eager faces turning



تدا اسکاچپول در کتاب معروف
 دولت ها و انقلاب های اجتماعی
 نقش عمده ای را برای دولت ها در
 فرایند تغییرات اجتماعی قایل
 است.

Анна Ахматова

- Ты всегда таинственный и новый,
- Я тебе послушней с каждым днем.
- Но любовь твоя, о друг суровый,
- Испытание железом и огнем.
-
- Запрещаешь петь и улыбаться,
- А молиться запретил давно.
- Только б мне с тобою не расстаться,
- Остальное все равно!
-
- Так, земле и небесам чужая,
- Я живу и больше не пою,
- Словно ты у ада и у рая
- Отнял душу вольную мою.
-
- 1917

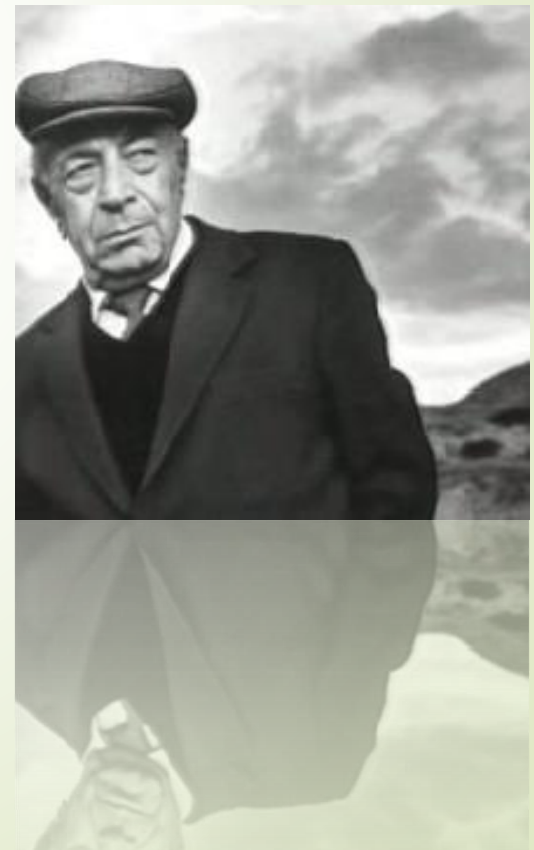


Համո Սահյան «Կանչ»

Անց կացավ օրըս, արևավորըս,
Դու ե՞րբ ես գալու իմ թևավորըս,
Իմ թուխ արտույտըս, իմ սիրուն լորըս,
Իմ հեռավորըս, դու ե՞րբ ես գալու:

Բացել եմ դուռըս, բացել եմ դուռըս,
Խորն է կարոտըս, խորն է մոմուռըս,
Իմ կանաչ կուռըս, իմ ծաղկած նուռըս,
Իմ քնքուշ քույրս, դու ե՞րբ ես գալու:

Գարունքվա հավք եմ, աշխարհն է բույնս,
Առանց քեզ ինչ են երգըս, անունըս,
Փախել է քունըս, կանչում է տունըս,
Խանդուր խաթունըս, դու ե՞րբ ես գալու:



آن جویباری که در روز روشن
 سرچشمه اش را غارت کردید؟
 آن معشوقه ای که در خواب
 چشم هایش را دزدیدید؟
 آن ابری که پیش از باریدن
 بارانش را به تراج بردید؟
 یا آن ماهی
 که شب چهارده اش را ربودید؟

آزادی، اسبی ست خسته و لنگان
 که هر روز گلوله بارش می زند

#شیر_کو_بیکه_س



آزادی؟
 کدامین آزادی؟
 آزادی، اسبی ست خسته و لنگان
 که هر روز گلوله بارش می زند

سرزمین؟
 کدامین سرزمین؟
 آن سرزمینی که هر روز به غارتش می برند؟
 آن دشتی که برهوتش کرده اند
 یا آن شاخه ای
 که تخته ی تابوت شد؟

کدامین است؟
 آن سنگ و آن خاک و آن چشمه و ریگی
 که بند و زندان زاییده است؟

نمی دانم میهن کدام است!
 آزادی کدام است،
 نمی دانم!



سبکی که در آن گروه همسرا به تناوب عبارت (ندا) های یک تکخوان در پاسخ می‌دهند. وقتی تکخوان پیش از پایان پاسخ همسرایان دوباره شروع به خواندن کند، همپوشانی هیجان انگیز خطهای آوازی شکل می‌گیرد. آوازخوان‌ها را سازهای کوبه‌ای، اغلب با نواختن استیناتوها (الگوهای ریتمیک تکرار شونده)، همراهی می‌کنند. دیگر ویژگی موسیقی آوازی آفریقا تکرار عبارت‌های کوتاه بر واژه‌های مختلف است.

بافت: موسیقی جوامع آفریقایی، بر خلاف بسیاری از دیگر فرهنگ‌های غیر غربی، اغلب بافت همراه صدا یا چند صدا دارد. خط‌های متعدد آوازی ممکن است همزمان ملودی یکسانی را در سطوح مختلف زیرایی عرضه و گاه رشته‌اس از آکوردهای موازی ایجاد کنند. آفریقایی‌ها موسیقی چند صدا با خط‌های ملودیک کاملاً مستقل نیز اجرا می‌کنند.

سازهای آفریقایی

سازها و گروه‌های آفریقایی بسیار متنوعند.

۱۱۴ سال پیش در چنین روزی ملوک ضرابی در تهران زاده شد. می‌گفت: «همیشه ضربی و شاد خواندم ولی هیچگاه مطربانه کار نکردم.»

پدر ملوک ضرابی بازرگان بود: «پدرم فوق‌العاده خوب می‌خواند. هر صبح بعد از نماز، دعای دوازده امام را می‌خواند و اگر یک روز نمی‌خواند، همسایه‌ها می‌آمدند در خانه و می‌گفتند: ما امروز صدای حاج‌آقا را نشنیده‌ایم. مثل این است که چیزی گم کرده‌ایم.»

نه ساله بود که به خانه عین‌السلطان از نجیب‌زادگان محل رفت و آمد می‌کرد و بی آنکه خانواده خرسند باشد، آواز می‌خواند: «حسین طاهرزاده از خوانندگان معروف زمان مرا در منزل عین‌السلطان دید و صدایم را شنید. از صدایم خوشش آمد و دو سال به من مشق آواز داد. حاجی‌خان عین‌الدوله هم در منزل عین‌السلطان رفت و آمد داشت، یک سال هم او ضرب زدن و ضربی خواندن را به من یاد داد. یک روز طاهرزاده فرمود: دیگر بس است. یک روز هم حاجی‌خان عین‌الدوله ضرب را بوسید و گفت: من دیگر در مقابل تو ضرب نمی‌زنم و ضربی نمی‌خوانم.»



زنان نامدار تاریخ

ملوک ضرابی

ملوک ضرابی

ملوک ضرابی

او تا بروز انقلاب ۵۷ با رادیو ایران همکاری داشت و همیشه بخشی از درآمدش را به سازمان‌های خیریه می‌بخشید.

ملوک ضرابی در ۸۹ سالگی در زادگاهش درگذشت.

چیزی که یه مرد رو تبدیل به
یک هنرمند می‌کنه
!!! دوست داشتن واقعی یک زنه
به نظر من
عشق بزرگترین اثر هنریه که
..یه هنرمند می‌تونه خلق کنه

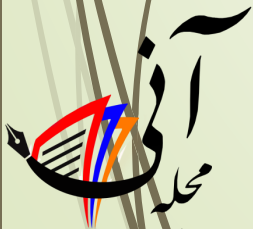


۱۶ ساله بود که نخستین ترانه‌اش را بر روی صفحه گرامافون ضبط کرد و در همان سال به جامعه نوبنیاد باربد رفت و از آن پس همکاری ماندگاری را با اسماعیل مهرتاش و ارکستر او آغاز کرد.

اگر قمرالملوک وزیری زن پرتوان آواز ایرانی بود، او در اجرای ترانه از نخستین‌ها و سرآمدان به شمار می‌رفت به ویژه که هم به ضرب‌آهنگ توجه ویژه‌ای داشت و هم در تأثیر جامعه باربد، بارها در نقش شیرین و لیلی ظاهر می‌شد و می‌خواند و از ترفندهای تئاترال در ترانه‌خوانی بهره می‌گرفت.

۲۵ ساله بود که به مناسبت رفع حجاب ترانه "عروس گل" را در "تماشاخانه تهران" خواند و به این خاطر کتک وحشیانه‌ای از خشک‌اندیشان خورد اما با اراده محکمتری به کار ادامه داد و ترانه "دختران سیروس" از ساخته‌های محمدعلی امیرجاهد را خواند: «دختران سیروس، تا به کی در افسوس، زیر دست مردان، تا به چند محبوس.»

۲۹ ساله بود که با ابوالحسن صبا و اسماعیل مهرتاش برای ضبط چند صفحه به حلب سوریه رفت و دو سال پس از آن وارد رادیو ایران شد: «اولین ترانه‌ای که در رادیو اجرا کردم کیستی ساخته حسین یاحقی بود که مرتضی محجوبی، حبیب سماعی، ابوالحسن صبا و حسین تهرانی با من همکاری می‌کردند و شعرش را حسن سالک سروده بود.»



وین دیزل خبر از فیلمبرداری **Fast X: Part 2** در لس آنجلس پس از پایان آتش‌سوزی داد.



وین دیزل، ستاره محبوب سری فیلم‌های «سریع و خشن»، خبر خوشی برای طرفداران این مجموعه دارد.

او اعلام کرد که فیلمبرداری بخش‌های در **Fast X: Part 2** باقیمانده از شهر لس آنجلس به پایان خواهد رسید. این تصمیم مهم، علاوه بر تکمیل روند تولید این فیلم پرطرفدار، به احیای اقتصاد محلی که به تازگی با آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای مواجه شده است، کمک شایانی خواهد کرد.

جوردانا بروستر، همبازی دیزل در این مجموعه، با پیشنهاد این ایده به او، الهام‌بخش این تصمیم شده است. دیزل در پستی اینستاگرامی، ضمن تأیید این خبر، نوشت: «پس از آتش‌سوزی‌های اخیر در لس آنجلس، جوردانا با من تماس گرفت و از من خواست تا از کمپانی یونیورسال بخواهم که فیلمبرداری فست ایکس: قسمت دوم در این شهر ادامه پیدا کند. لس آنجلس اکنون بیش از هر زمان دیگری به حمایت ما نیاز دارد. ۲۵ سال پیش، فیلمبرداری سری فیلم‌های سریع و خشن از این شهر آغاز شد و حالا این فرنجایز محبوب به خانه خود بازمی‌گردد.»

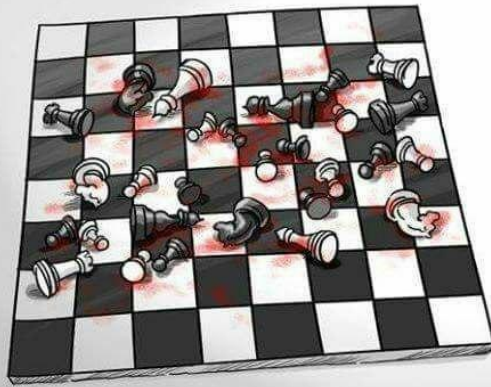
در حال حاضر، علاقه‌مندان می‌توانند فست ایکس را در پرایم ویدیو تماشا کنند. همچنین، قرار است قسمت دوم این مجموعه اکشن پرهیجان، یعنی **Fast X: Part 2**، در سال ۲۰۲۶ اکران شود.

منبع: **comingsoon**

فست ایکس: قسمت دوم با کارگردانی لویی لتریر، همان کارگردانی که هدایت قسمت قبلی، فست ایکس در سال ۲۰۲۳ را بر عهده داشت، به پرده سینماها خواهد آمد. در حالی که در ابتدا برنامه‌ریزی شده بود که فست ایکس آغازگر سه‌گانه جدیدی از سری فیلم‌های سریع و خشن باشد، وین دیزل در فوریه ۲۰۲۴ تأیید کرد که فست ایکس: قسمت دوم به عنوان یک «پایان بزرگ» برای این مجموعه عمل خواهد کرد. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که **Fast X: Part 2** ممکن است به ریشه‌های اصلی فرنچایز بازگردد و شاهد حضور یک آنتاگونیست جدید به جای جیسون موموآ باشیم؛ البته جزئیات دقیق داستان هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

فست ایکس در ماه مه ۲۰۲۳ در سینماهای آمریکا اکران شد و با فروش جهانی حدود ۷۱۴ میلیون دلار در مقابل بودجه تخمینی ۳۷۸.۸ میلیون دلاری، عملکرد قابل توجهی در گیشه داشت.

در فیلم اکشن پرستاره فست ایکس، علاوه بر وین دیزل در نقش دومینیک تورتو، شاهد حضور بازیگران مطرحی همچون میشل رودریگز در نقش لتی اورتیز، تایریس گیبسون در نقش رومن پیرس، لوداکریس در نقش تج پارکر، جان سینا در نقش جیکوب تورتو، ناتالی امانوئل در نقش رمزی، جوردانا بروستر در نقش میا تورتو، سونگ کانگ در نقش هان لو، اسکات ایستوود در نقش لیتل نوبادی، دانیلا ملچور در نقش ایزابل نووس، آلن ریچسون در نقش آیمز، هلن میرن در نقش مگدالن المانسون-شو، بری لارسون در نقش تس، جیسون استاتهام در نقش دکارد شو، شارلیز ترون در نقش سایفر و جیسون موموآ در نقش ریز هستیم.



تمام تاریخ عبارت است از
جنگیدن سربازانی با هم
که همدیگر را نمیشناسند
برای کسانی که همدیگر را
میشناسند و باهم نمیجنگند!



Если нет ветра, беритесь за вёсла.

موسیقی درمانی چیست؟
صوت درمانی یا موسیقی درمانی از فواید موسیقی برای بهبود سلامت جسمی و عاطفی و آرامش استفاده می کند. شخصی که تحت درمان قرار می گیرد، تحت نظارت و تجربه یک متخصص آموزش دیده قرار می گیرد. موسیقی درمانی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- گوش دادن به موسیقی
- آواز خواندن همراه با موسیقی
- حرکت به سمت ضرب و آهنگ موسیقی
- مدیتیشن
- ساز زدن

اعتقاد بر این است که شفا بخشی با صدا به یونان باستان باز می گردد، زمانی که موسیقی در تلاش برای درمان اختلالات روانی استفاده می شد. در طول تاریخ، از موسیقی برای تقویت روحیه سربازان ارتش، کمک به سریعتر و مؤثرتر کار کردن مردم و حتی با دور کردن ارواح شیطانی استفاده می شده است.

اخیرا، تحقیقات موسیقی را با تعدادی از فواید برای سلامتی، از افزایش عملکرد سیستم ایمنی و کاهش سطح استرس گرفته تا بهبود سلامت نوزادان نارس مرتبط دانسته است.



آیا موسیقی درمانی برای فرزندم خوب است؟
 بله. موسیقی درمانگران با افراد در هر سنی از جمله کودکان
 خردسال و نوجوانان کار می کنند. آنها می توانند جلساتی را
 متناسب با نیازهای منحصر به فرد فرزند شما طراحی کنند.
 موسیقی درمانی می تواند از بسیاری از جنبه های رشد کودک
 شما حمایت کند، از جمله:

- رفتار - اخلاق.
- یادگیری.
- احساسات.



آیا برای موسیقی درمانی باید استعداد موسیقی داشته باشم؟
 خیر، برای این درمان به مهارت یا استعداد موسیقی نیاز ندارید.
 موسیقی درمانی برای همه بدون در نظر گرفتن سطح مهارت یا
 پیشینه آنها آزاد است. موسیقی درمانگر شما قبل از طراحی
 جلسات، در مورد شما و پیشینه موسیقی تان، سؤالاتی از شما
 می پرسد.

موسیقی درمانی به درمان چه مشکلاتی کمک می کند؟

دهه ها است که در مورد کاربردها و فواید موسیقی درمانی
 تحقیق شده است. یافته های کلیدی مطالعات بالینی نشان داده
 است که موسیقی درمانی می تواند برای افراد مبتلا به افسردگی
 و اضطراب، اختلالات خواب و حتی سرطان مفید باشد.

داستان زهرمار به قلم زیبای سیده زهره مقیمی (بخش پنجم)

-برو بینم بابا اون موقع که حلوا می خوردی نگفتی زیاده؟ الان بهم میگی زیاده؟ ننه ت کجاست محسن؟
-داره قالی می بافه.

به سمت اتاق دار قالی رفتم. بعد از سلام و احوال پرسی...

-زن عمو ننه م گفت بهت بگم یه قابلمه بهمون بدی.

زن عموم که پشت دار قالی بود واسه این که من رو بینه تارهای قالی با انگشتاش کناری زد.

-ننه ت که خودش یه عالمه قابلمه داره قابلمه من رو می خواد چی کار کنه؟

با مودی گری گفتم:

-نمی دونم من ولی فکر کنم همه شون پر بود.

زن عموم که انگار قانع شده بود از روی دار قالی با زحمت زیادی پایین اومد و رفت سمت اجاق گازشون درش رو

باز کرد یه قابلمه بهم داد و گفت بین این خوبه؟

من نگاهی کردم.

-نه این کوچیکه یکم دیگه بزرگتر باشه بهتره.

همه ی قابلمه هاش رو از اجاق گازش بیرون ریخت.

-بیا مهرعلی جان خودت نگاه کن بین چه اندازه ایی می خواد بردار ببر واسه ننه ت.

رفتم جلوتر قابلمه های زن عموم رو خوب نگاه کردم یکی شون اندازه همون قابلمه زن همسایه بود اون رو برداشتم.

-این خوبه زن عمو فقط درش رو هم بده!

زن عموم به قابلمه تو دستم نگاهی انداخت.

-اون در نداره عزیزم چند وقته پیش که واسه عموت غذا گذاشته بودم بیره سر مزرعه بخوره موقع برگشتن درش از روی خورجین الاغ افتاده و گم شده. یکم فکر کردم.

-باشه عیب نداره همین رو می برم.

مهرعلی نگفتی ننهت برای چی قابلمه می خواد؟

تو دلم فکر کردم خدایا چی بگم؟

-فکر کنم می خواد ترش شورباسو درست کنه (ترش شورباسو یک نوع غذای محلی همدانه که با روغن محلی و پیاز داغ، زرد الو خشکه کشمش و خرما و تخم مرغ رشته پلویی، سرکه و شیره درست میشه) چشمای زن عموم از خوشحالی برقی زد. معلوم بود حسابی دلش ترش شورباسو خواسته، لبخندی زد.
-نوش جونتون باشه.

من شاد و شنگول قابلمه رو گرفتم. به خونه رفتم. ننه هنوز داشت تو حیاط کار می کرد. قابلمه رو نشون ننه م دادم.

-این رو زن همسایه داد گفت براش شیر پر کنی من ببرم بدم دم خونشون.

ننه در حالی که داشت سلطل اب گاوها رو پر می کرد که بیره براشون بذاره نگاهی به قابلمه کرد.

-اون همه شیر که نمی تونم بدم آخه ما خودمون کلفت باریم.

-شیر گاوشون خشک شده می خواد بزاد.

نامت را به من بگو

دستت را به من بده

حرفت را به من بگو

قلبت را به من بده

من ریشه‌های تو را دریافته‌ام
با لبانت برای همه لب‌ها سخن گفته‌ام
و دست‌هایت با دستان من آشناست.
در خلوت روشن با تو گریسته‌ام
برای خاطر زندگان،
و در گورستان تاریک با تو خوانده‌ام
زیباترین سرودها را
زیرا که مردگان این سال
عاشق‌ترین زندگان بوده‌اند.

□

دستت را به من بده

دست‌های تو با من آشناست

ای دیر یافته با تو سخن می‌گویم

بسان ابر که با توفان

بسان علف که با صحرا

بسان باران که با دریا

بسان پرنده که با بهار

بسان درخت که با جنگل سخن می‌گوید

اشک رازیست

لبخند رازیست

عشق رازیست

اشک آن شب لبخند عشقم بود.

□

قصه نیستم که بگویی

نغمه نیستم که بخوانی

صدا نیستم که بشنوی

یا چیزی چنان که ببینی

یا چیزی چنان که بدانی...

من درد مشترکم

مرا فریاد کن.

درخت با جنگل سخن می‌گوید

علف با صحرا

ستاره با کهکشان

و من با تو سخن می‌گویم

زیرا که من
ریشه‌های تو را دریافته‌ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست

احمد شاملو (الف. بامداد)، هوای تازه، ۱۳۳۴



<http://faryad.blogfa.com>

FaryadBlog

فایزاد

<http://faryad.blogfa.com>

Il fait froid et la neige tombe lentement
Un nuage silencieux et gris

La terre a fait pleuvoir des shekels, des shekels
Farsang couvre en premier, Farsang

Chanson de la cabane de nuit creuse
La chanson est la neige et la pluie ce soir

Mais cela se voit au hurlement du vent
que la nuit est l'invitée de la tempête ce soir



به نام خدایی که جان آفرید زمین و زمان و مکان آفرید



موسیقی، زبانی جهانی است که فراتر از کلمات، احساسات و عواطف انسانی را به تصویر می‌کشد. آهنگ‌ها و نواهایی که گوش را نوازش می‌دهند، می‌توانند غم را به شادی، سکوت را به شور و اشتیاق تبدیل کنند. موسیقی، ریتم زندگی است و در هر فرهنگ و تمدنی، جایگاه ویژه‌ای دارد. از لالایی‌های مادرانه تا سرودهای حماسی، از نغمه‌های عاشقانه تا ملودی‌های عرفانی، موسیقی همواره با انسان همراه بوده و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت او به شمار می‌رود.

موسیقی تنها یک هنر نیست، بلکه یک پدیده قدرتمند است که می‌تواند ذهن و روح را تحت تأثیر قرار دهد. ریتم و ملودی می‌توانند خاطرات را زنده کنند، احساسات را برانگیزانند و حتی الگوهای رفتاری ما را تغییر دهند. موسیقی درمانی، یکی از کاربردهای مهم موسیقی است که نشان می‌دهد چگونه این هنر می‌تواند به بهبود سلامت جسمی و روانی انسان کمک کند.



موسیقی، با تنوع بی نظیر سبک‌ها و ژانرها، هر سلیقه‌ای را راضی می‌کند. از موسیقی کلاسیک با ساختارهای پیچیده و هارمونی‌های غنی گرفته تا موسیقی پاپ با ملودی‌های ساده و جذاب، از موسیقی جاز با بداهه‌نوازی‌های آزادانه تا موسیقی راک با انرژی و قدرت بی‌بدیل، هر سبک، دنیایی منحصر به فرد از صداها و احساسات را به شنونده هدیه می‌دهد.

در نهایت، موسیقی یک تجربه شخصی و منحصر به فرد است. هر کس با شنیدن یک قطعه موسیقی، احساسات و تفاسیر خاص خود را دارد. این هنر، پلی است بین انسان‌ها و جهان، و به ما کمک می‌کند تا با زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های زندگی ارتباط برقرار کنیم.

جنبش‌های اجتماعی به عنوان ساز و کار مهمی برای تغییر اجتماعی هستند. جنبش اجتماعی کوششی جمعی برای تحقق یا مقاومت در برابر تغییر اجتماعی است.

من اعتقاد دارم همه افراد استعداد موسیقی دارند چون در زندگی و در هر ثانیه همه ما در معرض موسیقی هستیم، حتی با راه رفتن و یا غذا خوردن همگی در حیطه موسیقی است، لذا بنده علم موسیقی را به آسانترین طریق به شاگردانم ارائه می‌کنم تا برایشان جذاب باشد.



با عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما استاد گرامی خوشحالیم که در محضر شما بزرگوار هستیم:

۱/ لطفا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید که چگونه به دنیای موسیقی وارد شدید؟

باسلام و درود خدمت خوانندگان محترم مجله ادبی آنی و سپاس از دعوت مسئولین این مجله وزین .

بنده حمیدرضا برومندیار خواننده و مدرس موسیقی هستم ، و در سن ۲۰ سالگی با کلاس آواز وارد دنیای زیبا و جادویی موسیقی شدم.

۲/ چه تجربه هایی در زمینه آواز و موسیقی دارید که به شما در تدریس کمک کرده اند؟

بنده با آواز سنتی شروع کردم و سخت گیری های اساتید خیلی به بنده کمک کرده و می‌کند چون در این مسیر باید دقیق بود و پشتکار بالایی داشت . موضوع دیگری که بسیار نقش موثری در این مسیر داشته است مطالعات جامع و درک کلی موسیقی است فراتر از ملودی ها.

۳/ روش های تدریس شما برای تقویت و و پیشرفت چیست؟

که گرایش افراد به موسیقی که از احساس بالا و علم بالا برخوردار است کم شده است. یک مثال بزنم که ملموس تر باشد: چندی قبل در تلویزیون خواننده ای که میلیاردی درآمد دارد و آهنگش در کل تهران و ایران ورد زبان مردم است، با مجری صحبت می کردند، مجری از ایشان پرسید: سریع بگو فاصله چهارم چه نتی است؟ خواننده مشهور حتی سوال را نفهمید و هر چقدر مجری توضیح داد ایشان متوجه نشد. این نشون می ده که بدون داشتن علم موسیقی قله های این هنر زیبا رو فتح می کنند و متاسفانه کسانی که غول های این هنر هستند در فقر جان می سپارند.

۷/ موسیقی چیست؟ هنر، استعداد

موسیقی روح تمام موجودات است، قلب شما با ریتم معینی کار می کند همین موسیقی است. دویدن موجودات، غذا خوردن، همه و همه موسیقی است و علم تخصصی موسیقی در ما به سادگی با کمی پشتکار و صبر، نقش می بندد.

۴/ چگونه به هنرجو کمک میکنید تا در انتخاب آهنگ ها و سبک های موسیقی خود تصمیم بگیرد؟

به نظر من تمامی افرادی می خواهند سازی را انتخاب کنند باید اول یک دوره آشنایی با علم موسیقی که شامل سلفژ و ریتم هست بگذرانند بعد ساز را انتخاب کنند، وقتی ابتدا به ساکن ساز را انتخاب می کنند برایشون بسیار سخت میشه و اکثر هنرجوهای عزیز دلزده می شن و رها می کنند.

۵/ در مورد کسانی که تازه کار هستند چه سخن و یا پیشنهادی دارید؟

هنرجوهای عزیز باید صبور باشند چون با چند ماه همیشه موسیقیدان شد و شاید سالها طول بکشه و پشتکار که هر روز باید تمرین کنند حتی کوتاه.

۶/ وضع موسیقی کشور ما از دید شما

در کشور ما به نظرم عامدانه سلیقه مردم عزیز را بسیار پایین آورده اند و موسیقی وضع زیاد خوبی ندارد، چون مردم هستند که انتخاب می کنند آمار نشان می دهد



۱۱/ چگونه می‌توان به درک عمیق تری از سبک‌های موسیقی رسید؟

این مشخص است که با آموزش هر سبکی بیشتر می‌توان آن را درک کرد و به نظرم نباید سبکی، سبک دیگر را حقیر بداند.

۱۲/ آینده موسیقی رو چگونه می‌بینید و چه تغییراتی در صنعت موسیقی پیش بینی میکنید؟

به نظر من آینده موسیقی ما کاملاً به علاقه و سلیقه مردم دارد و باید امیدوار بود هنرجویانی تربیت کنیم که در بند پول و درآمد نباشند تا علایق و هنر خود را با فراق بال ارائه دهند.

۱۳/ چگونه تکنولوژی بر روی آموزش و یادگیری موسیقی تاثیر میگذارد؟

قطعا تکنولوژی در آموزش موسیقی کمک می‌کند، همین که استاد همیشه در دسترس هنرجوست و می‌تواند کارش را ارائه دهد و استاد اصلاح کند به طرز عجیبی کار را تسهیل می‌کند، زمانی بود

۸/ علت پایین آمدن و افت کیفیت آواز در کشور ما و به خصوص در بانوان چیست؟

خوب متأسفانه در کشور ما صدای زنان ممنوع است، من هم شاگردان خانمی دارم که آواز کار می‌کنند ولیکن خودشان هم از آینده خود ناامید هستند و فقط چون عاشق این هنر هستند ادامه می‌دهند.

۹/ اساتید زیادی در حال حاضر از طریق فضای مجازی به آموزش می‌پردازند نظر شما در این باره چیست؟

به نظر من فضای مجازی برای بخشی از آموزش خوب است، ولیکن آموزش حضوری اصولی تر است و ما چون انسان هستیم بخش اعظم آموزش در ارتباط برقرار کردن است.

۱۰/ به نظر شما تاثیرات فرهنگی و تاریخی بر روی سبک‌های موسیقی معاصر چگونه است؟

به نظر تاثیر فرهنگ در موسیقی ما بسیار مشهود است مثلاً در مورد سبک رپ چون فرهنگ آن وارد این کشور شد موسیقی آن نیز پا به زندگی ما گذاشت.

بدیهی است سواد موسیقی پایه و اساس پیشرفت در موسیقی است ، مانند این است که شما بدون یادگیری رانندگی ، سوار ماشین شوید ، نتیجه این نوع رانندگی مشخص است.

۱۶/چه توصیه هایی برای جوانان و نوازندگان تازه کار دارید؟
همانطور که عرض کردم باید صبور باشند و پشتکار در تمرین و نباید منتظر نتایج زودرس باشند ، یادگیری موسیقی یک فرایند است.



که ما هفته ای یک بار استاد را می دیدیم و بارها جلسه را به دلیل حل مشکلی که داشتیم درجا می زدیم.

۱۴/آیا تجربه ای خاص یا چالشی در مسیر حرفه ای خود داشته اید که بخواهید به اشتراک بگذارید؟
بسیار زیاد

کلا در مورد این قضیه باید گفت که موسیقیدان نباید به عنوان یک مجرم یا یک بیکار معرفی شود ، هنوز هم خانواده های زیادی هستند که علایق فرزندان خود را به موسیقی یا نادیده می گیرند و یا مخالفت می کنند . یعنی هنوز هم موسیقی باید کار دوم و حاشیه ای باشد و همین علت بسیاری از سرخوردگی ها و ناامیدی ها است.

۱۵/سواد موسیقی داشتن تا چه حد به پیشرفت آن کمک خواهد کرد چرا که می بینیم اکثر جوانان در این عرصه بدون یادگیری پایه های این علم به مسیر خود ادامه می دهند؟



در آخر اگر حرفی یا سخنی دارید بفرمایید
جالب است بدانید که بنده مدیر مدرسه ای بودم یک
ماه از شروع مدیریتم نگذشته بود که بنده را از حراست
خواستند، می دانید چه گفتند؟ (گفتن آن هم شرم آور
است) گفتند: در شأن مدیر نیست که خواننده باشد.
می دانید این فاجعه است، من سالها زحمت کشیدم و این
علم را با چنگ و دندان یاد گرفتم و اینگونه با آن رفتار
می شود.

گفتند: در گوگل اسم مدیر را سرچ می کنیم موزیکش
در سایت های مختلف پخش است. انگار موسیقیدان
بودن و یا خواننده بودن گناهی است نابخشودنی.
این چهره واقعی رفتار با موسیقی است.

با نهایت سپاس از حضور شما استاد گرانقدر جناب آقای حمیدرضا برومندیار
برای حضور سبز شما در مجله ادبی آنی، با آرزوی موفقیت و شادکامی.

مجله آنی

برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن
مصاحبه با مجله آنی با شماره واتساپ و
تلگرام زیر تماس حاصل فرمایید:



۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

t.me/ani_letters

www.ani_letters.com

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)



رسالت هنر این است که مخلوقی بنام انسان
را از دایره راحتی خود بیرون بکشد.